

## الله بت دیروز خدای امروز

کعبه مکان مقدسی بود که پیش از اسلام بت های گوناگونی در آن نگهداری می شد. الله یکی از بتهایی بود که در کنار بتهای دیگر که مدینه بودند پرستیده می شد. حرم مکه همانند خانه دیگر خدایان مردم سامی، به صورت مکعب ساخته شده بود از این رو بود که به آن کعبه می گفتند. کعبه لغتی عربی به معنی چهار گوش است. بعضی می گویند لغت کعبه به معنی خانه است و از یک لغت حبشی که به معنی خانه دو طبقه است گرفته شده است اما به نظر نمی رسد که این تعبیر درست باشد. و آنچه از ظاهر کلمه عربی پیداست کعبه به معنی چهارگوش می باشد.

بتها یا درون خود کعبه بودند یا در فضای باز بیرون کعبه. در بعضی از محافل باور بر این بود که شکل چهار گوش کعبه تقلیدی از شکل چهار گوش چادر عربهاست. تاریخ ساخت کعبه به قرن دوم پس از میلاد برمی گردد. بنابراین بر خلاف آنچه در قرآن و تفاسیر مسلمانان گفته شده است این بنا نمی تواند توسط ابراهیم ساخته شده باشد. در کتاب عهد عتیق هیچ اشاره ای به سفر رئیس خانواده به عربستان نشده است و از همه مهمتر هیچ سند تاریخی و باستانی در دست نیست که این بنا پیش از قرن اول میلادی وجود داشته باشد. اگر ابراهیم در حقیقت وجود داشته است در حدود سال 1800 پیش از میلاد میزیسته است. این داستان آشکارا توسط محمد ساخته شده است تا توسط آن بتواند نظر یهودیان مکه را نسبت به خود جلب کند.

عربهای بیابانگرد؛ پیش از اسلام سنگهای صاف و مکعب شکل را محترم می شمردند و آنگونه سنگها را به عنوان محل زندگی خدا تکریم می کردند. مردم چادر نشین عرب که چادر آنها مکعبی شکل بود با خود می اندیشیدند که خانه خدا شبیه خانه خودشان اما از جنس سنگ است. در میان جاهایی که در عربستان مقدس شمرده می شد کعبه از همه مهمتر بود چون سنگ سیاه را در خود جای داده بود. عربهای پیش از اسلام معتقد بودند که این سنگ توسط خدایان آسمانی برای عبادت به آنها داده شده است.

به احتمال زیاد جنس این سنگ از گدازه های آتشفشانی یا بازالت است. اما ماهیت واقعی آن به راحتی قابل شناسایی نیست. چون زائران در طول سالیان سال از زمانی که در این بنا کار گذاشته شده است، آن را بسیار لمس کرده و از سر شوق و شغف بوسیده اند. ممکن است یک شهاب سنگ باشد. اسلام سنت سنگ پرستی عرب پیش از اسلام را به وسیله قرار دادن مراسم حج به عنوان پنجمین ستون دین ادامه داد. هر ساله میلیونها مسلمان به مکه آمده تا سنگ سیاه را که در گوشه شرقی بنا هست تکریم کنند.

بطلمیوس ستاره شناس و جغرافی دان بزرگ که در اسکندریه در سال 130 میلادی متولد شد از مکه تحت عنوان مکورا یا نام برده است.

از آنچه در کتابهای تذکره نویسان اولیه اسلامی آشکار است قصی یکی از اجداد محمد، عبادت کعبه را در بین مردم خود رواج داد. او دو پسر به نامهای عبدالمناف (بنده مناف) و عبدالدار (بنده کعبه) داشت که آنها را به عنوان ناظر این آیین برگماشت. هر کدام از بتهایی که در کعبه نگه داشته می شد به قبیله ای خاص تعلق داشت. مردم هر قبیله هر سال به مکه می آمدند تا بیعت خود را با خدای خود تجدید کنند. به طور سنتی این مراسم در آخرین ماه از تقویم عربی که ذی الحجه نامیده می شد برگزار می شد. به احتمال زیاد لغت حج برگرفته از واژه عبری HUG به معنی گردش در اطراف، گرفته شده است. چادر نشینان اولیه عرب هر وقت که برای زیارت حرم می آمدند به منظور ستایش کعبه اطراف کعبه می چرخیدند به این عمل طواف می گفتند.

مطابق سنت قدیم اعراب، یک ماه پیش از مراسم زیارت کعبه و یک ماه پس از آن، مردم عربستان عداوت و دشمنی نسبت به یکدیگر را کنار می گذاشتند و دست از جنگ می کشیدند. در طول این ماهای مقدس نباید خونی ریخته می شد. علت تعطیل جنگ و خونریزی به این دلیل بود که می خواستند مکه را برای زائران که برای انجام مراسم می آمدند، به

محیطی امن تبدیل کنند. در طول این چند ماه اجازه نزدی یا درست کردن کمینگاه یا انتقام گیری خانوادگی به کسی داده نمی شد.

به محدوده کعبه به طور تحت اللفظی حرم گفته می شد. به این دلیل تمام مکه نیز به عنوان حرم مقدس شمرده می شد. بعدها واژه حرم به زنان کاخ که بیش از یک نفر بودند اطلاق شد. حرم به معنی جایگاه خصوصی است که هیچ خاطی حق ورود به آن مکان را ندارد و تنها به زنان اختصاص دارد.

در ماه حج هر زائر همراه خود هدایای را برای تقدیم به خدای خود می آورد و برای خشنودی خدای خود حیوانی را برای او قربانی می کرد. در هنگام اجرای مراسم، مریدان ابتدا پیرامون کعبه می گشتند سپس در فاصله بین دو تپه ای که صفا و مروه نامیده می شد و به باور آنها محل زندگی یک خدای مدینه و یک خدای نرینه بود، شروع به دویدن می کردند.

یکی دیگر از مراسمی که در این فستیوال انجام می شد مراسم محرم شدن بود. زائر در این مراسم باید از هتک حرمت کردن، کفر گوئی و آمیزش جنسی خود داری کند زیرا انجام این مراسم در حضور خدایان ممنوع بود. قبایل گوناگون عرب در این مراسم شرکت می کردند چون این ماهها تنها زمانی بود که عرب دست از جنگ و ستیزه جویی بر می داشت و حمل سلاح ممنوع بود.

همه این مراسم عهد جاهلیت در اسلام امروزی ادامه یافت. هر ساله میلیونها مسلمان از سرتاسر دنیا در طول ماه ذی الحجه به مکه آمده و مراسمی را انجام می دهند که قرنهای پیش از اسلام در عربستان رایج بوده است. در این مراسم لباس سفید بلندی می پوشند و اطراف کعبه می گردند و سر حیوانات را می برند و از آمیزش جنسی پرهیز می کنند و از گفتار اهانت آمیز پرهیز می کنند و بین صفا و مروه میدوند و به جایگاهی که بت پرستان قدیم فکر می کردند خانه شیطان است، سنگ می زنند. در حقیقت مراسمی که در حال حاضر پیروان محمد هر ساله انجام می دهند با آنچه بت پرستان در سالها پیش از اسلام انجام میدادند، تفاوتی ندارد تنها نام آن تغییر پیدا کرده است. و گروه کافران به گروه مسلمانان تبدیل شده اند. آنچه محمد انجام داد، ادامه سنتهای اجداد خود بود که آنها را به قانونهای مقدس تبدیل کرد و نام اسلام بر آنها گذاشت.

تنها فرق این مراسم با مراسم گذشته، این است که در گذشته هر کسی مجاز بود برای انجام این مراسم به مکه برود. بی خدایان، چند خدایان و یکتا پرستان همه در این مراسم شرکت می کردند اما امروزه تنها مسلمانان مجازند به حرم کعبه وارد شوند و الله خدای خصوصی دنیای محمد خدای همه کلانها شد.

پیش از اسلام هر قبیله ای خدای مخصوص خود را داشت. اما وقتی برای زیارت به مکه می آمدند خدای دیگران را نیز پرستش می کردند یا حد اقل به آن خدایانی که معروف بودند احترام می گذاشتند. در زمانی که قبیله ها در حالت صلح به سر می بردند، آنهايي که "لات" را می پرستیدند الله خدای بزرگ را نیز ستایش می کردند. آنهايي که برای "عزی" احترام قائل بودند "منات" را نیز تکریم می کردند و ارتباط بین خدایان یک ارتباط دوستانه بود. اما در زمانیکه بین قبایل اختلاف می افتاد هر قبیله فقط خدای خود را عبادت می کرد و به خدایان قبایل دیگر کاری نداشت. همانطور که قبلا ذکر شد جد محمد فرزندان خود را با نام خدایان نامگذاری کرد. وقتی که محمد شروع به تبلیغ دین خود کرد افراد قریش که از قبیله او بودند با او به مخالفت برخاستند زیرا او می خواست خدای خود، الله را به همه خدایان ارجحیت دهد. وقتی او مخالفت شدید مردم قریش را دید یک قدم عقب نشینی کرد و سعی کرد دشمنانش را با پذیرش بتهای آنان در کنار بت بزرگ، الله، آرام کند.

به این دلیل است که تذکره نویسان مسلمانان اولیه گفته اند که محمد بت های قبیله را مخصوصاً "سه بت بزرگ لات و منات و عزی را که اعراب فکر می کردند دختران الله هستند، تکریم کرد. اما وقتی که دشمنی بین او و دیگر افراد قبیله ادامه یافت، او نظرش را تغییر داد و الله را که خدای پدرش، عبدالله بود، برتر از همه بتها شمرد. پس از آن او از هر فرصتی استفاده کرد تا الله را بر بتهای دیگر برتری دهد. او مرتب می گفت که خدایی جز الله وجود ندارد. یکی از آخرین سوره های قرآن که توحید نامیده می شود می گوید:

بگو الله یکی است. بی نیاز از همه است نه زاده می شود و نه می زاید و مثل و مانندی ندارد.

نکته مهم در این سوره این است که بر این حقیقت که الله تنها خداست تاکید می ورزد و در ادامه می گوید که خدا دارای فرزندی نیست. در غیر این صورت آنهایی که معتقد بودند لات و منات عزی دختران الله هستند ، خود را هم ردیف مسلمانان می دانستند. از آنجایی که هیچ خدایی با الله قابل مقایسه نیست. خدایان دیگر کافران نمی توانند در ردیف الله بایستند.

ترجمه صفحه 20 تا 26 کتاب women and the Koran نوشته انور حکمت  
ترجمه ایراندخت

درفش کاویانی



[/http://derafsh-kavivani.com/parsi](http://derafsh-kavivani.com/parsi)

derafsh-kavivani.com